

دکتر علی بیگدلی *

بیداری اروپا و شکل گیری تمدن غرب

فیلیپ ولفاً استاد افتخاری دانشگاه تولوز^۲ فرانسه و مستشرق بنام در اروپا، در بخشی از کتابش تحت عنوان: بیداری و روشنفکری در اروپا^۳ آورده است: " رنسانس کارولنژین^۴ در سالهای اول قرن نهم که باعث بیداری، تحرک و شکل گیری تمدن غرب شد، حاصل نگردیدمگر با بهره گیری از خرده ریزهای گنجینه علم و معرفتی که در کشورهای شرق مدیترانه گردآوری شده بود. ولفا اضافه میکند که مانبا یستی فراموش کنیم که بین النهرین^۵ یکی از مهمترین کانونهای موثر در تشکیل تمدن اروپا بوده است."

گرچه نظریه فیلیپ ولف مورد پذیرش تمامی علما اروپائی نیست، اما ظن غالب حکم بر صحت نظریه تولد علم در شرق میکند. لازم است ابتدا به

* عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

- 1) Philippe Wolff
- 2) Toulouse
- 3) L'Eveil Intellectuel de L'Europe. Edition du Seuil. Paris 1971. P.92.
- 4) Carolingien
- 5) Mesopotamie

نظریه « مخالفین فیلیپ بهر دایم » آنها بر این ادعا پافشاری می کنند که آیا آنچه در شرق باستان به عنوان علم مطرح بوده است واقعا " علم تلقی می شود یا یک تجربه « شخصی است ؟ در پاسخ باید گفته شود که هر چند علوم شرقی ابتدا مبتنی بر نیازها و تجربیات فردی بوده نهایتا " از بارتفکرات علمی بهره مند شده است.^۱

انسانها پس از اشباع شدن از خدایان روی زمین به آسمان نگرستند. آسمان برای انسان هم مرکز برکت بوده چون باران داشت و خورشید و هم منبع نیروهای مرموز و هم مسکن خدایان . بنا بر این با بلیها نخستین قومی بودند که اعلام داشتند ستارگان نقش قدرتمندی در تعیین سرنوشت انسان دارند.

کلدانیان برای اولین بار بطور مشخص جایگاه ، نام و حرکت و مسیر نامنظم ظاهری ستارگان را تعیین کردند - فواصل ستارگان از یکدیگر - موقعیت آنها را اندازه گیری نمودند و مداری را که خورشید ظاهرا " ظرف یکسال دور زمین طی می کند تعیین نمودند . منطقه البروج را اندازه گیری و سال را به ۳۶۵ روز و ۱۲ ماه تقسیم و سال شمسی را مشخص کردند.^۲

در مصر علاوه بر حساب و هندسه - علم پزشکی و تشریح بماناسبت عمل عمل مومیائی ترقی کرد.

این اندکی از ذخائر علمی شرق بود . پس مجاز هستیم بگوئیم که شرق فاز ایستگاه علم بوده است . ادعائی که مورد تأیید علما « غربی نیز میباشد .

اما این علم چگونه به اروپا رفت ؟ یونانیان نخستین قومی بودند که از جغرافیای اروپا بریدند و در آسیای صغیر و سواحل نیل صاحب کلونیهای شدند ، هم از این طریق و هم توسط بازرگانان زمینه « انتقال علم از شرق به غرب فراهم

(۱) هنری لوکاس ، تاریخ تمدن ، ترجمه عبدالحسین آذرنگ ، انتشارات کیهان ، ج اول ، ص ۸۵ .

(۲) برای مطالعه بیشتر به کتاب تاریخ اندیشه « اجتماعی ، فصل دوم . بارنز و بکر ، ترجمه « یوسفیان و علی اصغر مجیدی مراجعه کنید .

شد. بعداً "بدلیل برخورد های نظامی و سیاسی این جا بجائی علمی سرعت بیشتری به خود گرفت.

علمای یونان پایه گذار چراها و چگونگی هادر بررسی های علمی بودند - در یونان بروز حوادث طبیعی از حیطه قدرت مرموز خدایان بیرون آمد - طالبس به عنوان پایه گذار تفکر علمی در جهان، بروز حوادث و ظهور پدیده های طبیعی راناشی از تحولات و دگرگونیهای نهفته در خود طبیعت اعلام کرده ناشی از اراده خدایان و اندیشه را از آسمان موهومات به زمین کشاند. چرا باران می بارد؟ چرا هوا سرد و گرم می شود؟ چرا درختان سبز و زرد می شوند؟ اینها همه ناشی از تغییر حالات یک ماده و احوالات که به نظر طالبس این ماده همان آب بود.^۱

طالبس مکتب ملسطی یا اندیشه ماتریالیستی را پایه گذاری کرد. شاگردانش مثل آنکسیمندر تفکر او را تعقیب کردند. فیثاغورث با مکتب ملسطی درگیر شد و خود بنیانگذار مکتب ایده آلیسم گردید و عدد و رقم را دارای رموز قدرتمندی دانست که بر روی بروز حوادث اثر میگذارد.^۲

هراکلیت و واضع تئوری حرکت و دموکرییت واضع نظریه انتم تحول عظیمی در دنیای اندیشه بوجود آوردند. سوفسطائیان جامعه شناسی و علم سیاست را بنا نهادند و سقراط اخلاق را زیر بنای تفکر فلسفی خود قرار داد و تصمیم گرفت به جنگ سنت های جامعه، خود برود و نظم نوینی را پایه گذاری کرد و این فکر بزرگترین اختلاف بین اسناد و شاگرد یعنی سقراط و افلاطون بود، زیرا افلاطون آریستوکرات که موجودیت خود و جامعه آتن را در حفظ سنتهای کهن اشرافی میدانست. به مخالفت با اسناد خود پرداخت و جامعه اشرافیت اسپارت را الگوی مدینه، فاضله خود قرار داد. افلاطون با نظریه مثل باب جدیدی را در دیدگاههای فلسفی گشود و برای نخستین بار هنده سه راجهت اثبات ادعای فلسفی

(۱) تاریخ جهان باستان، جلد دوم "یونان" گروهی از نویسندگان روسیه، ترجمه محمد باقر مومنی، ص ۱۵۳.

(۲) م. ح. کاوه، مکتبهای فلسفی یونان قدیم. ص ۲۳-۲۲، تهران ۱۳۲۷.

خویش به مددطلبید^۱ اما ارسطو نافنه^۲ جدا یافته ای شد که هم حاکم بر تمام علوم زمان خویش بود و هم بنیانگذار بسیاری از علوم جدید مخصوصاً " منطق شد^۳ ظهور ارسطو و هم زمان است با قدرت گیری اسکندر و ایرانی شهر، دولت‌ها به عنوان پایگاه تفکر سیاسی و عامل رشد اندیشه - حاکمیت تفکر میلیتاریسم اسکندر فضا را برای آزادی اندیشه مسدود کرد و این پایان نخستین مرحله^۴ شکل گیری تمدن غرب بود.

نخستین مرحله^۵ برخورد شرق و غرب با حمله^۶ اسکندر آغاز شد - اوبا میراث علم و فلسفه یونان را همی شرق شد و جامعه^۷ ما را بشدت تحت تاثیر فرهنگ و تمدن یونان فرار داد. اسکندر در ذهنیت نوجوان خویش امپراتوری جهانی وسیعی را ترسیم میکرد - به همین دلیل و برای رسیدن به این هدف اسکندریا را تالیسم و ناسیونالیسم یونانی مخالفت کرد و بخوبی دریافت که برای ایجاد یک امپراتوری جهان شمول چاره‌ای جز شبیه سازی فرهنگی بین ملنهای مغلوب ندارد^۸ به تقلید شاهنشاهان ایرانی و فراعنه^۹ مصری ادعای خدایی کرد و لباس موبدان و کهنه به تن کرد - آتن را به اسکندریه منتقل نمود و در این جا علماء یونانی علم را تقسیم بندی و تخصصی کردند - بطليموس، ارشمیدس و جالینوس هر کدام به دنبال علم خاصی رفتند. بدین ترتیب یکبار دیگر شرق کانون رشد علم شد - این جا بجا ئی نشان داد که علم بدلیل طرافت طبع از محیط‌های متشنج بیزار است.

اسکندریه موقعیت حساس خود را به عنوان برجسته ترین مرکز علمی جهان آنروز همچنان تا ظهور دیانت اسلام حفظ کرد - امپراتوری اسلام که از مدیترانه تا هند و از دریای خزر تا شمال آفریقا گسترش یافته بود بر مراکز

(۱) افلاطون، سیاست، الکساندر کویره، ترجمه امیر حسین جهانبگلو، انتشارات خوارزمی، ص ۱۶.

(۲) ارسطو، مقدمه کتاب سیاست، حمید عنایت.

(۳) مراجعه به مقاله نگارنده در مجله معرفت تحت عنوان " نهضت ترجمه در جهان اسلام"، تابستان ۱۳۷۲.

تسلط یافت که قبلاً " کانون میراث فرهنگی یونان و روم بود مثل صومعه ها! به گفته بسیاری از علماء غربی، اسلام عامل موثری در حفظ و حراست علوم یونانی شد زیرا خصلت وحدت بخش اسلام و تشویق به علم جوئی بنا بر فرمان پیامبر بزرگوارش موجب گردید تا متولیان دین در حفظ و اشاعه علم کوشش کنند.

در زمان خلفای عباسی، منصور دوانیقی و مخصوصاً " هارون الرشید و فرزندش مأمون کار جمع آوری اسناد و کتب علمی در بغداد فراهم شد و نهضت ترجمه شکل گرفت - در همین زمان مکاتب امام باقر (ع) بدون هیچگونه تعصب دینی با کودآوری علماء از تمامی ادیان و فرقه های غیر اسلامی و اسلامی عوامل رشد و اعتلای علم را فراهم آوردند. در این دوره اسناد علمی از تمامی نقاط جهان متمدن آن روز برای ترجمه به زبان عربی در بغداد جمع آوری شد و فلسفه و علم غنی اسلامی پا گرفت و عصر طلائی تمدن اسلامی آغاز گردید.^۳

امامتاً سفانسه از قرن سوم - چهارم هجری به دلیل ظهور عنصر ترک در صحنه سیاست و تولد کانونهای قدرت جدید مثل خلفای فاطمیون در مصر - خلفای اموی در اندلس - فدائیان اسماعیلیه در مصر و ایروان و قدرنهای محلی - مرکزیت مذهبی - سیاسی بغداد در وبه اقول گذاشت و شرایط متنسج مانع رشد تفکر علمی در شرق اسلامی گردید.^۴

افزون بر این که در این هنگام جنگهای صلیبی بین شرق و غرب یا مسلمانان

1) Philippe Wolff. L'Eveil Intellectuel de L'Europe.
Edition du Seuil. Paris. 1986. P.103.

(۲) ذکرا - محمدی، رساله، فوق لیسانس، تحت عنوان " نقش فلسفه و علوم اسلامی در بیداری اروپا " باراهنمائی نگارنده .

(۳) دبلیسی اولیری، انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، ترجمه احمد آرام، مقدمه، ص ۵ .

(۴) خانم زیگرید هونکه، فرهنگ اسلام در اروپا، ترجمه مرتضی رهبانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۱۷۱ به بعد.

و مسیحیان به مدت دو قرن آغاز شد. تجار و نیازی که رابطه، تنگاتنگی با جهان اسلام داشتند سردمداران جهان مسیحیت را در جریان تناقض‌ها و تضادهای مذهبی و سیاسی شرق اسلامی گذاشتند - جنگهای صلیبی گرچه با پیروزی نظامی مسلمانان خاتمه یافت ولی این مسیحیان بودند که پیروزی علمی را با دستیابی به منابع ارزشمند علم و فلسفه، اسلامی نصیب خود کردند.^۱

بیداری اروپائیان :

بیداری اروپائیان ناشی از حوادث داخلی و رخدادهای خارجی است. آنچه بیشتر مربوط به بحث ماست شرایط خارجی میباشند که خود محصول دو واقعه مهم است که این هر دو حادثه نشأت گرفته از دنیا ی اسلامی است: اول حمله، ناموفق مسلمانان عرب در سال ۷۱۱ توسط طارق به اروپا است که موجب خودآمدن اروپائیان از تغافل‌های قرنهای تاریک فرون وسطی شد. این هجوم مسلمانان باعث گردید که امت عیسی مسیح (ع) که در یک نظام واحد سیاسی - مذهبی زیر نظر پاپ زندگی محدود و مسدودی را میگذراند به خودآید و در تشکیلات کهنه و مندرس خویش تجدید نظر کنند. این حمله مهمترین عامل بیداری اروپائیان بود. زیرا نظام واحد دینی کاتولیک بهم ریخت و پاپ ناچار شد برای جلوگیری از قدرت تازه نفس مسلمانان به دست خودتاج امپراتوری مقدس روم را در اول ژانویه سال ۸۵۰ بر سر شارلماین بگذارد.^۲ بدین ترتیب قدرت واحد پاپ تقسیم شد و دنیا ی مسیحیت بین دو قدرت مذهبی (پاپ) و سیاسی (امپراتور) به دو نیمه تقسیم گردید.

شارلماین برای تقویت نهاد امپراتوری خود دست به یک رنسانس زد. این رنسانس نقطه عطف بیداری اروپا و شکل‌گیری تمدن غرب شد. شارلماین به سال ۷۸۱ آلکویین^۳ دانشمند انگلیسی را برای بنای ساختمان نوین امپراتوری

1) Robert Delort. Les Croisades. Edition du Seuil. Paris. 1988. P. 220.

2) Charlmachine

3) Alcuin

خود دعوت کرد تا مقدمه ^۱ تجدید حیات عقلی را فراهم آورد. در آستانه ^۲ شکل گیری تمدن غرب تناقض و تضاد شدیدی بین فلاسفه اروپا وجود می آید که در واقع این تضاد عکس العمل کشمکش بین عقل و ایمان است. سن آنسلم ^۳ نماینده ایمان و کلیسا در برابر ژربر ^۴ و ژان اسکات ^۵ نمایندگان عقل یا مدارس جدید قرار میگیرد. این برخورد ها مرحله ^۶ دیگری است از تفرقه در نظام کلیسایی زیرا با تاسیس مدرسه ^۷ شارتر ^۸ در فرانسه اولاً ^۹ یک کانون جدید علوم غیر مذهبی در مقابل کلیسا قرار می گیرد ثانیاً ^{۱۰} کانون و اهداف علم و فلسفه را که تا کنون دستورات کلیسایی تشکیل میداد با رنسانس کارولنژین این انسان است که در کانون علم قرار میگیرد و انسان از آسمان به زمین می آید - تفکر و اندیشه در جستجوی انسان ، مکتب اومانیزم را بنیان گذاری می کند. اومانیزم انسان گرایی را به جای خدا محوری می گذارد.*

کنستانتین آفریقای با ترجمه آثار و منابع جالینوس ، بطلمیوس ، دموکریت و بقراط از زبان عربی و عبری به زبان لاتین مواد درسی مدرسه شارتر فرانسه را در قرن یازدهم گردآوری کرد. بدین ترتیب در غرب نیز طی فرسهای یازده و دوازده به تقلید از شرق اسلامیه نهضت ترجمه ای آثار دانشمندان یونانی را از عربی به زبانهای اروپائی برگرداند.

1) Saint Anselm

2) Gerbert

3) Jean Scot Erigenr

4) Charter

مطالب این مبحث از کتاب: Les intellectuels Au Moyen Age تألیف Jacques LeGolf استخراج شده است.

* در فلسفه اسلامی نیز بحث تقدم علم نسبت به ایمان وجود دارد. معتزله معتقدند که عقل مقدم بر ایمان است. افراطیون ایمان را مقدم بر عقل میدانند شاعره راه بینابینی برگزیده اند. به تاریخ فلسفه اسلامی ، هانری کربن مراجعه کنید.

عصر روشنفکری در اروپا :

با جمع آوری اسناد و مدارک از سراسر کانونهای علمی مخصوصاً " از جهان اسلام در شرق و اندلس ۱، سویل ۲، تولد ۳، ساراگوس ۴، سیسیل در غرب که به صورت شاهزاده نشین های اسلامی از قرن پنجم اداره میشدند و ترجمه این اسناد به زبان لاتین که غالباً " توسط مقامات کلیسایی صورت میگرفت مقدمه نهضت روشنفکری فراهم آمد* (لازم به یادآوری است از قرن نهم که رنسانس کارولنژین در جهت تغییر ساختار جامعه و اندیشه به وقوع پیوست تا امروز هیچگاه این حرکت متوقف نشده است).

عصر روشنفکری در اروپا همزاد و همزمان با یک تحول اقتصادی بود - یعنی ظهور و رشد طبقه بورژوازی - تولد این طبقه به عنوان گرداننده و محرک تمدن غرب باز هم در نتیجه مراودات بازرگانی اروپا با شرق صورت گرفت . یکی از نشانه های بیداری اروپا ظهور شهرها در قرن یازدهم مخصوصاً " در اینالیابود - پیدایش شهر به عنوان پایگاه قدرت سیاسی - اقتصادی بورژوازی مصادف است با آغاز عصر روشنگری - شهر محل استقرار و اشغال بازرگانان و صنعتگران بود که مبادله کالا با کالا (خاص روابط اقتصادی روستائی) جای خود را به مبادله براساس پول داد. نهضت روشنگری حرکت اومانیستی بود علیه قدرت دین در جامعه اروپا و مقدمه ایست بر آغاز حاکمیت تفکر سکولاریسم. این حرکت عموماً " توسط متولیان کلیسایی شروع شد.

1) Andalousia

2) Sevil

3) Toled

4) Saragous

* برای مطالعه بیشتر به " تاریخ علم " اثر دامپییر - ترجمه عبدالحسین آذرنگ، از ص ۹۳ به بعد مراجعه فرمایید.

(۵) Secularism یعنی دنیائی یا دنیانگری در مقابل Regularism

یعنی عاقبت کرائی، نظم کرائی یا پیرو نظم دینی بودن.

در عصر روشنگری کشیش‌ها از زندگی در محیط نمناک صومعه بیزار شدند و در شهر به شغل اسنادی دانشگاه، نویسندگی و محقق‌ی و مترجمی پرداختند. آلکوتین در زمان شارلمابین نخستین کشیشی بود که منصب عالی اداری و پست وزارت فرهنگ امپراتوری شارلمابین را عهده دار بود. در همین قرن نهم لودوفری پیر^۱ اولین کشیشی بود که علیرغم مخالفت کلیسا به مطالعه آثار سیسرون^۲ پرداخت.

شهرنشینان یا همان بورژواها به محض سکونت در شهر ابتدا دست به تنظیم تشکیلات اقتصادی و سپس اداری و سیاسی و نهایتاً "فرهنگی مبادرت کردند که این اقدام اخیر همان نهضت روشنگری بود - یعنی حرکتی که سنت‌ها - آداب و رسوم - پای بندیه‌های ایمان و اخلاق را سست کرد و انسان به عنوان یک موجود اقتصادی مستقل نه یک شخصیت آخرت‌گرای وابسته به نظم کلیسایی مطرح گردید. این نهضت معروف به رنسانس شهری^۳ شد.*

یکی از پایه‌های اصلی رنسانس کارولنژین که بعداً "در قرن ۱۲ و در عصر روشنگری بیشتر مورد توجه قرار گرفت. نخستین رفرم مذهبی در سال ۸۱۷ یعنی در عهد امپراتوری لوتی دوپیو^۴، یکی از فرزندان شارلمابین بود که به دست کشیشی به نام من بنوا دانیان^۵ و تحت عنوان بندیکتین^۶ رخ داد و به دستور امپراتور بسیاری از صومعه‌ها بسته شد.

1) Loup de Ferrieres

2) Ciceron

3) Renaissance Urbine = شهرنشینی و زندگی در شهر به جای

زندگی روستائی و قرون وسطائی.

* برای مطالعه بیشتر در این زمینه به مقدمه جلد دوم تاریخ فلسفه غرب

اثر برتراندراسل ترجمه دریا بندری مراجعه فرمائید.

4) Louis.de.Pieux

5) Saint Benoit. d'Aniane

6) Benedictin

نهیضت ترجمه در دنیا ی مسیحیت :

گرچه قبلاً " به نهیضت ترجمه در اروپا مختصراً اشاره ای شد. اما به دلیل اهمیت آن یکبار دیگر مورد بررسی قرار می دهیم .

قبل از جنگهای صلیبی روابط بازرگانی بین شرق و غرب با محدودیت دریای مدیترانه و از طریق شهرهای ساحلی ایتالیا مخصوصاً " ونیز و ژن برقرار بود. بازرگانان ایتالیائی از بیزانس ، دمشق ، بغداد و مصر ظرایف کالاهای کمیاب و لوکس را برای اشراف اروپا خریداری و حمل میکردند. همراه ابریشم و ادویه ، اسناد خطی به زبان یونانی ، عربی و عبری را خریداری و پنهانی به اروپا می بردند و اوما نیست ها مشتریان خوبی برای این نوع کالاها بودند. علمای اسلامی یا عرب در این میان یک نقش واسطگی داشتند. زیرا منابع علمی را از یونان و روم جمع آوری و ترجمه کرده و شرحی بر هر کدام از آنها نوشتند و یک بار دیگر از طریق کانونهای علمی مسلمانان در فرناطه به غربیهات تحویل دادند. کار ترجمه اسناد یونانی و رومی در بغداد و جندی شاپور معمولاً" توسط مسیحیان شرقی یعنی ارتدوکسها ، که از نظر کلیسای کاتولیک رافضی بودند و به اصل منوفیزیت اعتقاد داشتند (اصلی که در باب حضرت مسیح قائل به وحدت وجود می باشد یعنی بشریتا و عین خالقیتا وست) و نستوریان و یهودیانی که از زیر شکنجه و آزار حکومت بیزانس فرار کرده و به آغوش اسلام پناه آورده بودند صورت میگرفت . این سه گروه می توانستند در مدارس

۱- در مورد برقراری روابط جدید بین شرق و غرب یا اسلام و مسیحیت به مقدمه

کتاب : تاریخ عقاید اتمتادی اثر هوشنگ نهاوندی مراجعه فرمائید.

۲- علمای غربی جهان اسلام و جهان عرب را مترادف به کاری برند. در حالیکه با هم متفاوت دارد. جهان اسلام به مجموعه کشورهای اطلاق می شود که دارای حکومت، سرزمین، زبان و فرهنگ متفاوت هستند و فقط اسلام خط ارتباطی آنان است. جهان عرب مجموعه ای هستند که زبان دولت، زبان دین و زبان فرهنگ عربی است.

– دارالترجمه – کتابخانه ها و حتی دارالخلافت رفت و آمدکنند. بنابراین همین فرقه های مذهبی عامل موثری در فروش اسناد ارزشمند علمی به تجار اروپائی شدند.^۱

در انتقال اسناد علمی از شرق به غرب، اروپائیان از دو عامل کارآمد و یادگیر بر خوردار بودند یکی سواحل گسترده، مسیحی نشین مدیترانه و دوم کانونهای قدرت سیاسی در آسیای صغیر مثل ادسا، حران و نصیبین که همگی مسیحی نشین بودند.^۲

راههای انتقال علوم اسلامی به اروپا عمدتاً " یاسیسیل (در ایتالیا) و باقرناطه در اسپانیا (اندلس) بود. اومانیت های اروپائی که پرچمدار حرکت تجدیداری و نهضت رنسانس بودند. شکارچیان زبین مسیحیان – یهودیان و حتی مسلمانان انتخاب کردند که به زبانهای یونانی، رومی، عربی و عبری آشنائی داشتند و میبایست اسناد علمی – فلسفی – تاریخی را خریداری یا حتی سرقت می کردند و پنهانی به صورت مال التجاره به اروپا می بردند. غالباً شکارچیان بالباس تجار و کشیش رفت و آمد می کردند.^۳

شکارگر نسخه های خطی یونانی و عربی و فارسی را در شهر بالرم، مرکز سیسیل، جایی که پادشاهان نورماندی و مخصوصاً " فردریک دوم حکومت می کردند تحویل مترجمین یونانی، مسیحی، یهودی و مسلمان می دادند. مرکز دیگر ترجمه شهر تولد بود که مترجمین زیر نظر دانشمند معروف کشیش ریموند^۴ (واسط قرن ۱۲) آثار یونانی، هندی، اسلامی و رومی را به لاتین ترجمه می کردند.

۱) برای اطلاع بیشتر از این مبحث به تاریخ و فلسفه، علم اثر لوپس ویلیام هلزی هال ترجمه آذرنگ مراجعه فرمائید.

۲) دلیسی اولیری، همان منبع، از فصل پنجم به بعد.

۳) فروغی، محمدعلی، سیر حکمت در اروپا. انتشارات زوار.

ص ۸۳ به بعد.

معروفترین مترجم دانشمندشیمی فرانسوی آبلار^۱ بود که از مسیحیان - یهودیان و مسلمانان اندلس جهت ترجمه، متون علمی و فلسفی استفاده می کرد. آبلار مترجمین را بنابه تخصص و آشنائی با زبانی که داشتند به گروههای جداگانه تقسیم می کرد. یکی از این گروهها ما مورترجمه، قرآن کریم شد. این گروه تحت سرپرستی کشیشی به نام پیردوونرابل^۲ اقدام به ترجمه، قرآن مجید کرد و سپس نخستین لها م جنگ با مسلمانان را در بین مقامات مسیحی مطرح نمود. این جنگ نه یک مبارزه، نظامی، بلکه یک تهاجم فرهنگی به منابع اسلامی بود.^۳

آبلار نخستین چهره، معروف نهضت روشنگری و بیداری اروپا است. اولین کشیشی است که اقدام به تعلیم علوم غیر کلیسایی کرد و شعار وحدت عقل و ایمان را که همان شعار او مانیستی و روشنگری است سرداد. بعد از آبلار نوبت به آلبرت کبیر^۴ (پیر و مکتب ابوعلی سینا)، سن توما سداکن مشهورترین فیلسوف مسیحی قرون وسطائی و سن آنسلم میرسد. سن آنسلم مدیر مدرسه، شارتر (قرن ۱۲) جزو بزرگترین او مانیست های انگلیسی است که معتقد است انسان در مرکز خلقت قرار دارد. * تفکر او مانیستی از نظرگاه مذهبی با دواصل مخالف بود: اول گناه اولیه و دوم تجدعیسی مسیح. یکی از پر سر و صداترین اقدامات او مانیستی در این قرن عبارت بود از اعطای استقلال به دانشگاهها و خروج دانشگاهها از زیر سلطه، کانونهای قدرت سیاسی و مذهبی.

1) Abelard

2) Pierre. de. Venerable

3) Jacques Le Golf. P. 20

4) Albert Le Grand

5) Saint Thomas. d' Aquin

6) Saint. Ansaln

* برای اطلاع بیشتر به کتاب فلسفه های بزرگ اثر پیردوگا سه ترجمه احمد آرام رجوع کنید.

دانشگاه پاریس که یکی از قدیمی ترین دانشگاه های اروپا است در سال ۱۲۰۰ و در زمان فیلیپ اوگوست^۱ افتتاح شد. این دانشگاه برای کسب استقلال خود در سال ۱۲۲۹ برای نخستین بار در تاریخ دانشجویی دست به اعتصاب زد. اعتصاب باعث برخورد خونین بین دانشجویان و نیروهای دولتی شد و تعدادی دانشجو کشته شدند. اعتصاب دو سال تمام به طول انجامید و هیچ کلاسی تشکیل نشده تا اینکه پادشاه معروف، مذهبی و خوش طینت فرانسه، لوتی نهم یا سن لویی در سال ۱۲۳۱ استقلال دانشگاه را به رسمیت شناخت و آنرا بازگشائی کرد. دانشگاه آکسفورد در زمان پادشاهی ژان سانتربه سال ۱۲۱۴ استقلال خود را کسب نمود.

اما عامل دوم خارجی که باعث بیداری و شکل گیری تمدن اروپا شد، جنگ های صلیبی است. این جنگ ها که نقطه عطف تاریخی در روابط شرق و غرب یا اسلام و مسیحیت است به مدت دو قرن (۱۲۹۵-۱۰۹۶) این دو نقطه جغرافیائی را با دو جهان نگری متفاوت در مقابل یکدیگر قرار داد.^۲ گرچه نمود ظاهری این مبارزات، از سوی دنیای مسیحیت در یک پوشش مذهبی پیچیده شده بود در نهان دلایل پنهانی بسیار در برداشت از بین همه دلایل آنچه بیشتر به بحث ما مربوط می شود عبارت است از: عوامل اقتصادی و دینی که انگیزه نخستین محرکان طبقه بورژوازی است موجب تغییر ساختار جامعه و عرون وسطایی و تغییر نگرش اروپائیان نسبت به تمام مسائل مخصوصاً "مذهب شد که حرص دنیا گرائی جای احساس آخرت گرائی را گرفت. دلیل دوم ناشی از کج روی های کلیسای کاتولیک است. کلیسائی که از تکالیف الهی خود دور شده و خود را آلسوده، دنیائی کرده بود.^۳ ظهور و گسترش کانونهای قدرت در برابر کلیسا پایه های ایمان را

1) Philippe August

- (۲) رشاد، محمد. جنگ های صلیبی، دو جلد. ج اول، انتشارات اندیشه. از ص ۶۹ به بعد.
- (۳) کارل، بکروفر در یک دنکاف. سرگذشت تمدن، ترجمه علی محمد زهما، انتشارات دانشگاه کابل، ۱۹۳۸، از ص ۱۷۷ به بعد.

در میان پیروان مسیحیت و ارکان قدرت را در میان متولیان کلیسا سست کرده بود. این کانونهای قدرت عبارت بودند از توسعه شهر و تجارت - نهضت های ضد کلیسایی (مثل آلبی ژوآها^۱ در جنوب فرانسه) نهضت روشنگری - قدرت امپراتوران و اشراف .

تمام این دلایل موجب گردید تا رابطه دینی مردم با یکدیگر و نفوذ پاپ بر پیروانش کمتر شود. کلیسا در برابر تمام این کانونهای قدرت و نهضت های جدید به دنبال بهانه و ابزاری بود تا یکبار دیگر جامعه مسیحیت را به خود آورد و احکام عیسویت را حاکم نماید. جنگهای صلیبی بهترین وسیله و بهانه بودند تا اروپا را به سمت کلیسا بکشاند. کمبود زمین را به عنوان عامل مهم اقتصادی با تصرف شرق جبران کند - ما زاد جمعیت را که پتانسیل ناآرامی بود روانه یک سرنوشت نامشخص نماید. اشراف و شوالیه ها را که رفای توانمندی بودند و فقط جنگ عطش تجا و زگریهای آنان را بر طرف می نمود، راضی نگه دارد.^۲ تشخیص پاپ صحیح بود. ابزار و راههایی که به کار گرفت دقیق بود - اما نهایت و غایت جنگهای صلیبی نه به سود مسیحیت تمام شد و نه به نفع اسلام - رفورم مذهبی، مسیحیت کاتولیک را از حاکمیت و نفس انداخت و رنسانس دین را از سیاست جدا کرد و سیاست را حاکم بردین نمود. در جهان اسلام تشتت سیاسی و تفرقه دینی زمینه را برای حمله مغول و بعداً^۳ ورود استعمار آماده کرد. امپراتوری روم شرقی که واسطه این جنگها بود سرنوشتی بهتر از دیگران نداشت و مقهور ترکان عثمانی شد. پس چه کسانی از جنگهای صلیبی بهره مند شدند؟ آنهایی که در پشت دیوار کلیسا از ادامه جنگها حمایت می کردند تا محرک جنگها یعنی دین را از چشم مردم بیندازند، یعنی گروههای اومانستی و نهضت های روشنگری - محرکین اصلاح دینی - بورژوازی و امپراتوران. دقیقاً همان گروهها و نهضت هایی که موجب بیداری و رنسانس و روشنگری و پی ریزی تمدن جدید اروپا شدند.

1) Albigeais

2) Les Croisades. Robert Delort. P.95.

جنگهای صلیبی به عنوان نقطه آغازین تمدن اروپا حداقل در نتیجه در زمینه مبحث مورد نظر ما برای اروپا به بار می آورد. اول این که صلیبیون پس از استقرار و یادگیری زبان عربی اسناد و منابع ارزشمند علمی را با خود به اروپا بردند که این اسناد، شالودهٔ رنسانس را بنیان نهاد. دوم اینکه پاره‌ای انقلابات و تحولات در اروپا رخ داد که ساختار تمامی بخش‌های جامعهٔ مسیحیت را به نفع نظام نوین سرمایه‌داری تغییر داد و این تغییرات نام رنسانس به خود گرفت. انقلاب علمی کپرنیک^۱ نظام کهنهٔ اخترشناسی بطلیموس را واژگون کرد. انقلاب مذهبی یا اصلاح دینی لوتر^۲ رسماً " کلیسای کاتولیک را از وحدت انداخت و پروتستانتیسم به عنوان مذهب سرمایه‌داری دین را از سیاست - اقتصاد و شاید اخلاق جدا کرد. انقلاب سیاسی ماکیاولی^۳ بر حاکمیت دین خط بطلان کند و سیاست را از دین و اخلاق جدا نمود و ناسیونالیسم را جای مذهب گذاشت و خشونت حربه دست حاکمیت قدرت سیاسی شد، انقلاب چاپ گوتنبرگ^۴ کا را انتقال اندیشه را آسانتر کرد. آراسم^۵ فلسفه را از دست حاکمیت کلیسا نجات داد و انسان را در محور مطالعات فلسفی قرار داد. نکتهٔ جالب این که تمام این انقلابات در محور قرن ۱۶ رخ داد.

نتیجهٔ آن که شکل‌گیری تمدن غرب مرهون دریافت برخی اسناد و اطلاعات از یک بستر زمانی ۳ هزار ساله است (اگر تشکیل دولت در یونان را شروع هزارهٔ قبل از میلاد در نظر بگیریم) - تولد تمدن اروپا در یونان بود، میراث یونان در شرق اسلامی حفظ و تقویت شد به اروپا رفت و پرورش یافت و خمیرمایه‌ای شد برای رشد و توسعهٔ زمانهای بعد تا روزگار ما. تمدن اروپا محصول تولد تعدادی مکاتب است که چهرهٔ غرب را در تمامی ابعاد و زوایا تغییر

1) Nicolas Copernic

2) Martin Luther

* برای شناخت ریشه‌های پروتستان کتاب "مارتین لوتر" اثر امرسون فاسدیک ترجمهٔ فریدون بدره‌ای را مطالعه کنید.

3) Nicolas Machiavel

4) Didier Arasme

کمی و کیفی داد. مثل اومانیسیم - ماکیاولیسم - پروتستانیسم - لیبرالیسم - ناسیونالیسم - رأیسم - کاپیتالیسم و احیاناً " مکاتب دیگر کشف آمریکا توسط کریستف کلمب تمدن اروپا را وارد مرحله نوینی می‌کند و موجب زایش استعمار در روابط اقتصادی شرق و غرب می‌گردد.

در قرن ۱۷ با بروز بعضی انقلابات سیاسی چهره اروپا تغییر می‌کند. انقلاب ۱۶۰۹ هلند این گذر را به کمک بریتانیا از زیر سلطه اسپانیا آزاد می‌کند و یک نوع نظام جمهوری دموکراتیک برای ایالات هلند حاکم می‌شود. انقلاب بورژوا - دموکراتیک انگلیس در سال ۱۶۴۰ که تا سال ۱۶۸۸ ادامه پیدا می‌کند به کمک اندیشمندانی سیاسی شهیر بریتانیا جان لاک^۱ تئوری حاکمیت ملی را به جای تئوری ظل الهی می‌نشانند و شاه را از اریکه قدرت الهی پائین می‌کشند و مردم را حاکم بر سرنوشته سیاسی خود می‌کنند. قرن ۱۷ عصر نگرش سوبین علمی به قضایا است. فرانسیس بیکن^۲ انگلیسی با به کارگیری شیوه استقراتی در مطالعات علمی روشهای ارسطویی را کهنه و بی‌خاصیت اعلام کرد و روش جدید علمی مشاهده - آزمایش و طبقه‌بندی داده‌های علمی را برای رسیدن به هدف متداول کرد. دکارت^۳ فرانسوی در زمینه ریاضیات و فلسفه بر اساس تئوری شک کاخ دیرینه اندیشه علمی را ویران و دنیای جدیدی از تفکر علمی بنا نمود. قرن ۱۷ عصر گالیله^۴ ایتالیایی است که غوغائی در اخترشناسی برپا کرد و مورد تعرض کلیسا قرار گرفت و بدین ترتیب عصر حاکمیت ارسطویی و مکتب اسکولاستیک پایان گرفت.*

قرن ۱۸ با ایزاک نیوتون^۵ انگلیسی در زمینه نجوم، فیزیک، فلسفه آغاز شد. نظریات فیزیک نیوتون تقریباً دو قرن بدون رقیب در محافل علمی

1) John Locks

2) Francis Bacon

3) Rene Descartes

4) Galileo Galilei

* برای آگاهی بیشتر تاریخ علم اثر دامپی بر مطالعه کنید.

5) Isaac Newton

مورد استفاده قرار گرفت. دنیا با پیروزی انقلاب آمریکان نخستین جنبش آزادیبخش جهان علیه استعمار را تجربه کرد - آغاز انقلاب صنعتی بریتانیا در این قرن تحول عظیمی را در نظام تولید به وجود آورد - انقلاب کبیر فرانسه تمامی نهادهای قرون وسطایی را در گون گردونه تنها جامعه اروپا بلکه جامعه جهانی را دستخوش تغییر و تحول اساسی نمود.

خلاصه تمدنی را که ما امروز شاهد آن هستیم در قرن ۱۹ به مدد دو حادثه مهم شکل گرفت: انقلاب صنعتی بریتانیا و انقلاب سیاسی فرانسه.

قرن ۱۹ که وارث این دو واقعه، مهم است قرن است پرتلاطم که در نتیجه حاکمیت نظام‌های سیاسی دموکراتیک و برخورد‌های مسالمت‌آمیز و خونین انواع اندیشه، تمدن اروپا از قوام بیشتری بهره مندمی شود.

بنابراین تمدن غرب در پایان این قرن با اندیشه‌های سکولاریسم - اومانیزم - امپریالیسم و سوسیالیسم قدم در قرن ۲۰ می‌گذارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع مورد استفاده :

- ۱- لوئیس ویلیام هلزی هال، تاریخ و فلسفه علم، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، انتشارات سروش، ۱۳۶۳، تهران.
- ۲- هانری کربن، تاریخ فلسفه، اسلامی، ترجمه دکتر اسداله مبشری، امیرکبیر، ۱۳۵۸.
- ۳- دلیسی اولیری، انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، ترجمه احمد آرام، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
- ۴- محمد علی فروغی، سیر حکمت در اروپا، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۶۶، چاپ چهارم.
- ۵- مجموعه، خداوندان اندیشه سیاسی، زیر نظر مرحوم حمید عنایت، امیرکبیر، ۱۳۵۸.
- ۶- اتین ژیلسون، روح فلسفه، قرون وسطی، ترجمه ع. داوودی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶.
- ۷- دامپی پر، تاریخ علم، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، انتشارات سمت، ۱۳۷۱.
- ۸- برتراند راسل، تاریخ فلسفه، غرب، نجف دریابندری، دو جلد، نشر پرواز، تهران، ۱۳۶۵.
- ۸- ویل دورانت، تاریخ فلسفه، عباس زریاب خوئی، دو جلد، چاپ ششم، ۱۳۵۱.
- ۹- بارنزوبکر، تاریخ اندیشه، اجتماعی، ترجمه یوسفیان، مجیدی، خوارزمی، ۱۳۵۸.
- ۱۰- فلسفه روشنگری، لوسین گلامن، منصوره کاویانی، نشر نقره، تهران، ۱۳۳۹.
- ۱۱- هری امرسون فاسدیک، مارتین لوتر، فریدون بدره ای، انتشارات نیل، ۱۳۳۹.

- ۱۲- زیگرید هونکه، فرهنگ اسلام در اروپا، مرتضی رهبانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱.
- ۱۳- مونتگمری وات، تاثیر اسلام در اروپا، یعقوب آژند، انتشارات مولی.
- ۱۴- هوشنگ نهاوندی، تاریخ عقاید اقتصادی، انتشارات مروارید، چاپ چهارم، ۱۳۵۴.
- ۱۵- الکساندر کوپره افلاطون، سیاست، امیرحسین جهاننگلو، خوارزمی، ۱۳۶۰.
- ۱۶- م- ح- کاوه، مکتب‌های فلسفی یونان قدیم، تهران، ۱۳۲۷.
- ۱۷- پیردوکاسه، فلسفه‌های بزرگ، احمد آرام، نشر پرواز، تهران، ۱۳۶۷.
- ۱۸- هنری لوکاس، تاریخ تمدن، عبدالحسین آذرنگ، دو جلد، موسسه کیهان، ۱۳۶۶.
- ۱۹- گروهی از نویسندگان روسیه، تاریخ جهان، چهار جلد، باقر مومنی، صادق انصاری.
- ۲۰- ارسطو، سیاست، حمید عنایت، خوارزمی، تهران، ۱۳۵۸.
- ۲۱- رشاد محمد، جنگ‌های صلیبی، دو جلد، نشر اندیشه، تهران، ۱۳۵۱.
- ۲۲- راین هاردکونسل، لیبرالیسم، منوچهر فکری ارشاد، انتشارات مسعود سعد، تهران، ۱۳۵۴.

منابع خارجی :

1. Jacques Le Golff, Les Intellectuels au Moyen-Age. Edition du Seuil. Paris. 1982.
2. Philippe Wolff- L'Eveil Intellectuel de L'Europe - Edition du Seuil. Paris. 1986.
3. Robert Delort. Les Croisades. Edition du Seuil. Paris. 1988.
4. Philippe Braud./ Francais Burdeau Histoire des Idees Politiques de puis la Revolution. Ed. Montchrestien. Paris. 1992.
5. Moyen-Age. Ed. Lagarde & Michard. Paris. 1968.